

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸

واکاوی میان فرقه‌های حقیقی و برساخته پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در شیعیان امامی

مجید احمدی کچایی^۱

یدالله حاجی‌زاده^۲

چکیده

این پژوهش به دنبال خوانش جدیدی از فرقه‌های ناهمسان که در ابتدای غیبت صغری رخ داد می‌باشد، دوره‌ای که فرقه‌شناسان شیعه و سنی تأکید وافری داشتند شیعیان امامی در این زمان با انشقاق فراوان درون گروهی مواجه بودند، این گروه از اندیشمندان، تعدد فرقه‌های منشعب امامیه را از ۱۴ تا ۲۰ فرقه برشمردند. با این توصیف وضعیت در هم تنیده امامیه آن قدر بغرنج نشان داده شد که این احتمال داده می‌شد ادامه تکثرگرایی فرقه‌های امامیه در آن دوره احتمال فروپاشی ایشان را بسیار افزایش می‌داد، امری که هیچ‌گاه رخ نداد. گروه‌های که گمانه اصلی ایشان نه در فروعات، بلکه در اصل امامت بود. با این حال با کنکاش در فرقه‌های ذکر شده این مهم دانسته خواهد شد که به رغم ذکر فرقه‌های خود خوانده اطلاعات چندانی از ایشان در تاریخ یافت نمی‌شود و احتمالاً بسیاری از مذاهب در آن دوره برساخته تاریخ بوده و هیچ‌گاه وجود خارجی نداشتند و تردیدهای فراوانی در وجودشان دارد.

واژگان کلیدی

امام عسکری علیه السلام، امام مهدی علیه السلام، فرقه‌ها، امامیه.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول) (Ahmadi.m@isca.ac.ir).

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (y.hajizadeh@isca.ac.ir).

در نگاه تاریخ نویسان، شیعیان، هم چون دیگر مذاهب با تعدد فرق مواجه بودند اما این رخداد پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و غیبت امام ثانی عشره، با شتاب زدگی بیشتری همراه بود، تعدد فرقه‌ها در این دوره حاکی از اوضاع نابه‌سامان امامیه بوده است، نگارنده با پذیرش بحران هویت و افتراق امامیه در آن دوره، کثرت فرقه‌های ذکر شده را مطابق گزارش‌ها نمی‌داند، بر این اساس، ایده قابل طرح آن است که آیا این مقدار فرقه در امامیان در آغاز غیبت صغری پذیرفتنی است؟ آیا رقابت‌های فرقه‌ای در نشان دادن کثرت فرقه‌های رقیب و تکثر این دسته از گمانه‌ها تأثیر داشته است؟ اهمیت پرسش اخیر در آن است که برخی از فرقه نگاران برای ناهم بودن یک مذهب به تعدد و تشتت فرقه‌ها در مذهب رقیب استناد کرده و آن را دلیل بر خرافای بودن آن دانسته‌اند، برخی دیگر شهرت در نقل را سبب طرح فرقه‌های متعدد در تاریخ دانسته‌اند، به نظر می‌رسد به رغم این دست از گمانه‌زنی‌های، بسیاری از فرقه‌های یاد شده در این منابع، از اساس وجود نداشته است و نمی‌توان برای آن شواهد قابل استنادی از تاریخ یافت، ایده‌ای که نگارنده بر آن تأکید دارد، بر این اساس سعی خواهد شد که فرقه‌های یاد شده در ابتدای غیبت صغری با توجه به منابع پیشینی تا سده ۶۰۰ مورد خوانش قرار گرفته و زآن پس با عیار مذاهب رایج سنجدیده خواهد شد و فهمیده می‌شود که چه مقدار از این دست فرقه‌ها در تاریخ وجود داشته و چه مقدار برساخته تاریخ است. در این باره تحقیق خاصی صورت نگرفته است.

علل تفرق در امامیه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

پیشینه اختلاف در میان اصحاب ائمه علیهم السلام پیرامون جانشین امام ماضی در تاریخ شیعیان سابقه طولانی داشت و این امر منحصر به دوره امام عسکری علیه السلام نبود، تفصیل این تفرق را باید در فرقه‌شناسان شیعی همچون نوبختی و اشعری پی‌جویی کرد هر دو تأکید دارند که اختلاف در میان شیعیان پس از درگذشت هر امامی وجود داشته است، (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۲؛ اشعری، ۱۳۶۰ش: ۲) اما پس از شهادت امام یازدهم با گستردگی فراوانی مواجه شد امری که نه تنها فرق نویسان شیعی بدان توجه داشته بلکه سنیان نیز بسیار کنج‌کاوانه بدان توجه نشان دادند، به طوری که گستردگی تفرق ایشان را تا ۲۰ فرقه برشمرده‌اند، علت‌های زیادی در شکل‌گیری فرقه‌ها در دوره‌های مختلف ذکر شده است، در پژوه حاضر به علل تفرق امامیه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام اشاره و پس از آن به بررسی فرقه‌ها در دوره آغازین غیبت صغری

توجه خواهد شد.

محدودیت دسترسی به امام عسکری علیه السلام

مشکلات دوره امامت امام عسکری علیه السلام تا آن اندازه بود که ایشان و پدرشان در پادگان شهری محبوس شدند (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۹۲؛ اشعری، ۱۳۶۰ش: ۹۹-۱۰۰) بر همین اساس رفتار ایشان به شدت کنترل می‌شد و دسترسی به ایشان به سختی ممکن شد، برابر برخی از نقل‌ها امام می‌بایست در هفته دو بار به دارالخلافه رجوع و حضور خود را ثبت می‌کرد (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۹). این در حالی است که بر پایه برخی شواهد، امام عسکری علیه السلام چندین بار در دوره کوتاه امامت خویش توسط حاکمان به زندان رفت، برای نمونه در دومین سال امامت حضرت و در دوره خلافت معتز، یعنی ۲۵۵ق، امام به زندان رفت و مورد آزار قرار گرفت. صالح بن وصیف که مقتدرترین امیر خلیفه عباسی با امام رفتار بسیار بدی داشت (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۳، ۳۷۰) و حتی پس از حبس امام، برخی از رجال عباسی که با امام خصومت داشتند، نزد وی رفته و خواستار آن بودند که سخت‌گیری بر امام را فزونی دهد و صالح نیز دو تن از شورورترین مأموران خود را به زندانبانی آن حضرت گماشت. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ۵۳۰) خبرهای دیگری در دست که در دوره مهتدی (۲۵۶ق) مجدداً امام به زندان رفت و رفتار سختگیرانه بر امام ادامه یافت، (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۴) بعدها در اواخر عمر شریف و در دوره مهتدی (۲۷۶ق) امام برای بار دیگر به زندان رفت. (همان: ۲۶۸) گویا این سختگیری‌ها بر آن اساس بود که عباسیان به دنبال فرزند امام یازدهم بودند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۴، ۴۳۴) به هر روی روند ادامه دار خلافت برای در فشار قرار دادن امام سبب شد تا آن حضرت نتواند به راحتی با شیعیان خود ارتباط برقرار کند و همین امر علاوه بر مشکلات فراوان پیروان برای دسترسی به امام خود و رفع نیازهای روزمره، بر چگونگی معرفی امام بعدی تأثیر بسیاری گذاشت و سبب شد تا امام نتواند به بیشتر اصحاب خود تولد و امامت فرزند خویش را آشکار کند، طوری که نمی‌توان گزارشی یافت که امام عسکری علیه السلام در هیچ مناسبت عمومی به تولد فرزند خویش اشاره داشته باشد و تنها اخبار در این زمینه محدود به گزارش‌های است که امام به برخی از یاران نزدیک خود خبر بر تولد و حجت پس از خویش داده است. بر این اساس امام تأکید داشت خبر تولد فرزندش نباید از حوزه دوستان فراتر رفته و دیگران از آن آگاهی یابند، برای نمونه در نقلی امام عسکری علیه السلام ضمن آگاه کرده یکی از اصحاب خود - حمزة بن ابی الفتح - داده و تأکید کرد که نباید تولد فرزندش آشکار شود.

(صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۲)^۱

تولد ناآشکار امام مهدی علیه السلام

در شرایط پدید آمده امام عسکری علیه السلام می بایست تولد فرزند را آشکار نمی کرد، برابر بسیاری از گزارش ها امام عسکری علیه السلام به برخی از یاران که از تولد امام ثانی عشر آگاهی داشتند دستور می داد که ولادت ایشان را آشکار نکنند و این مسئله را از مردم بپوشانند. در خبری از احمد بن اسحاق اشعری قمی ۲۶۳ ق چنین آمده است که امام عسکری علیه السلام در توقیعی وی را از تولد فرزندش آگاه کرد و دستور داد که این خبر برای کسی بازگو نشود. (همان: ۴۳۴) بنابراین طبیعی بود در حالی که امام نمی توانست تولد فرزند خویش را بر همگان آشکار کند شیعیان آن حضرت پس از ایشان دچار تحیر و چند دستگی شوند. علاوه بر آن، مخفی کاری برخی از مهم ترین اصحاب امام عسکری علیه السلام از جمله عثمان بن سعید مبنی بر پنهان کاری وجود امام مهدی علیه السلام بر شدت این مناقشات افزود، این پنهان کاری تا آن اندازه بود که وی حتی با آغاز بحث های فراوان درباره وجود شریف امام مهدی علیه السلام از ورود به این مباحث اجتناب می کرد و تنها با اصرار برخی از بزرگان امامیه به اجمال بدان اشاره کرد، برای نمونه بنا بر گزارش کلینی ۳۲۹ ق، عبدالله بن جعفر حمیری - محدث امامی غیبت صغری - سؤالاتی را از عثمان بن سعید پرسید،^۲ وی در ادامه با طرح این اندیشه که سعی زیادی شد تا عباسیان به این نتیجه برسند که امام عسکری علیه السلام بدون فرزند از دنیا رفته است، طرح این سؤالات را سبب کنجکاوی عباسیان دانست (کلینی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۳۷۰)، بعدها حتی وی در این باره با جعفر برادر امام عسکری علیه السلام نیز به گمانه زنی نپرداخت و زمانی که جعفر به دست اندازی به میراث بردارش پرداخت با آن که عثمان بن سعید وکیل امام عسکری علیه السلام بوده با وی به مجادله نپرداخت.

اختلاف در بیت امام عسکری علیه السلام

علاوه بر موارد یاد شده، سردرگمی و اختلاف در بیت امام عسکری علیه السلام و دعوای خانوادگی ایشان، تأثیر زیادی بر تحیر شیعیان داشت، بر پایه برخی از گزارش ها، دعوای فامیلی بیت شریف امام عسکری علیه السلام این سؤال را برای برخی از شیعیان پدید آورد که چه کسی امام و حجت پس از امام یازدهم می باشد؟ بر همین اساس بعدها دست کم چند گزارش از حکیمه - عمه امام

۱. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ خَمْرَةَ بِنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي الْبَشَارَةُ وُلِدَ الْبَارِحَةَ فِي الدَّارِ مَوْلُودٌ لِأَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَأَمَرَ بِكَيْفِيَّتِهِ.

۲. به نظر می رسد منشأ حرام دانستن نام امام دوازدهم که بعدها در میان فقهای امامیه مرسوم شد، در همین دوره باشد.

یازدهم - نقل شد که وی تأکید داشت، امام مهدی علیه السلام تنها بازمانده پدرش و حجت پس از ایشان می باشد (همان: ج ۱، ۳۳؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۲۶ و ۵۰۱)، به هر روی درگیری در بیت امام عسکری علیه السلام به هر دلیلی سبب تحیر در میان اصحاب شد و همان طور که در ادامه ذکر خواهد شد این اختلاف سبب شد تا برخی از یاران سابق امام یازدهم، از اطاعت حجت ثانی عشر سرباز زنند و به جعفر برادر امام عسکری علیه السلام تمایل پیدا کنند.^۱

گسترده‌گی و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف جغرافیای اسلام

گسترده‌گی شیعیان در این دوره پیش از هر زمانی بوده است و طبیعی بود با این پراکندگی شیعیان در مناطق دور دست بیشتر با این مشکل مواجه شوند، کانون‌های تشیع امامی در چند نقطه تمرکز بیشتری داشت، برای نمونه امام عسکری علیه السلام در منطقه کش و نیشابور پیش از آغاز غیبت، فردی را به نام ابراهیم عبده به عنوان وکیل خویش در میان امامی مذهببان خراسان معرفی کرد،^۲ کشی نامه‌ای دیگری از امام عسکری علیه السلام به برخی از شیعیان از جمله ابراهیم بن اسحاق نیشابوری آورده که نحوه ارتباط ایشان با امام و برخی از نصایح اخلاقی در آن تبیین شده است. نجاشی نام شماری از راویان امامی مذهب را در آن منطقه آورده که از جمله ایشان ابومحمد یحیی آل زبارة می باشند (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۴۴۲)، در سمرقند و کش با تلاش محمد بن مسعود عیاشی صاحب تفسیر عیاشی در اواخر سده سوم هجری امامیه قوت یافت به طوری که خانه وی را به عنوان کانت مرتعا للشیعه و اهل العلم دانسته‌اند (همان: ۳۷۲) و ابن ندیم درباره وی آورده که من فقها الشیعه الامامیه، اوحد دهره و زمانه فی غزارة العلم و لکتابه بنواحی الخراسان شأن من الشأن (ابن ندیم، بی تا: ۲۴۴). از سمرقند چند نفر ذکر شده‌اند، که از جمله ایشان علی بن الحسین بن علی بوده که از وی به عنوان ثقه وکیل یاد شده و علی بن محمد خلقی از جمله ایشان بوده‌اند (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۲۹).

یکی از مناطقی که تشیع در آن بسیار پر قوت و شیعیان آن پر شمار بوده‌اند، قم و حوالی آن آوه^۳ و کاشان بوده است، پیشینه گرایش‌های تشیع قم عمدتاً به اواخر سده اول هجری و به

۱. و توفی امام عسکری علیه السلام و لم یر له اثر و لم یعرف له ولد ظاهر فقتسم ما ظهر من میراثه اخوه جعفر و امه و هی ام ولد (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۵).

۲. آن حضرت به عبدالله بن حمدویه بیهقی نوشت: فقد نصبت لک ابراهیم بن عبده لیدفع النواحی و اهل ناحیتک حقوقی الواجبة علیکم و جعلته ثقتی و أمینی عند موالی هناک فلیتقوا الله جل جلاله و لیراقبوا و لیؤدوا الحقوق، فلیس لهم عذر فی ترک ذلک و لا تأخیره، لا أشقاکم الله بعضیان أولیائنه و رحمهم و ایاک معهم برحمتی لهم، ان الله واسع کریم. (کشی، ۱۳۶۳ش: ۷۹۷)

۳. درباره پیشینه تشیع در آوه ر. ک: مروری بر جغرافیای تاریخی آوه؛ مهد تشیع در ایران.

هجرت خاندان اشعری بازمی‌گشت، این امر به تدریج شتاب زیادی یافت و اصحاب فراوانی از قم در زمره راویان امامان در دوره حضور و حتی پس از آن بوده‌اند، از مدائن افرادی در آستانه غیبت صغری با امام عسکری علیه السلام مراوده داشته‌اند، به طوری که کمی قبل از شهادت امام نامه‌هایی از امام عسکری علیه السلام به آن دیار برده شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۵).

با وجود دو امام هادی و امام عسکری علیه السلام در سامرا و وکلای نامداری همانند عثمان بن سعید در ابتدای غیبت صغری وجود شیعیان امامی در این شهر امری انکارناپذیر بوده، گرچه با طولانی‌تر شدن غیبت امام و سوق پیدا کردن نهاد وکالت به سمت بغداد جریان پررنگ‌تر امامیه در آن شهر مشهود است، در این میان اخباری وجود دارد که گرایش‌های امامیه در مصر نیز وجود داشته که برای انتقال وجوهات به مکه می‌رفته‌اند، گویا در آن جا با وکلای امام مهدی علیه السلام در ارتباط بوده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۳). خبر دیگر حاکی از وجود سادات باورمند به امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام وجود دارد که برخی از ایشان در دوره غیبت از باور به وجود فرزند برای امام یازدهم سر باز زدند (کلینی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۵۱۸). در بررسی نهاد وکالت دانسته است که گستردگی شبکه وکالت به میزان پراکندگی شیعیان به جغرافیای اسلام بازمی‌گشت به طوری که از مدینه به عنوان محل استقرار امامان شروع (طوسی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۰) و تا مکه (جاسم حسین، ۱۳۸۵ش: ۱۵۱)، بحرین (کلینی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۵۱۹)، عراق (جباری، ۱۳۸۲ش: ج ۱، ۷۹)، کوفه (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۷۴)، بغداد (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۵-۲۳۱)، سامرا (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۴)، واسط (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۵)، بصره (جاسم حسین، ۱۳۸۵ش: ۱۳۶-۱۳۷)، مصر (کلینی، ۱۳۷۶ش: ج ۱، ۴۹۴)، قم (قمی، ۱۳۱۳ش: ۲۱۱) و دیگر شهرها امتداد یافته بود.

با این گستردگی که در میان امامیه وجود داشت طبیعی بود که اخبار سامرا و رحلت امام عسکری علیه السلام و پیامدهای آن به زودی به دست شیعیان امام نرسد و آسیب‌های ناشی از این دست اخبار ناگوار، آثار زیانباری در پی داشت.

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد نگارنده با اذعان به آسیب‌های ذکر شده و پدید آمدن برخی از گرایش‌ها و مذاهب درون امامی در آن دوره، کثرت تفرق ذکر شده را نمی‌پذیرد، در ادامه با بررسی فرقه‌های ادعای، به نقد آنها خواهیم پرداخت و سرانجام به مذاهب شکل یافته که تردیدی در اصالت ایشان نیست، اشاره خواهد شد. در میان فرقه‌شناسان اشعری و نوبختی به تفصیل به این فرقه‌های اشاره کرده‌اند که تفصیل آن به این صورت می‌باشد (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۹۵).

الف) واقفیه: این گروه بر چند قسم تقسیم می‌شدند:

۱. گروهی از ایشان بر این باور بودند که امام عسکری علیه السلام وفات نکرده بلکه غائب شده و آن حضرت همان مهدی موعود علیه السلام بوده است، آنان همه ائمه علیهم السلام را پذیرفته و بر این باور بودند، چون امام عسکری علیه السلام فرزند خویش را آشکارا معرفی نکردند یا اصلاً نداشته پس خود همان مهدی موعود علیه السلام می‌باشد.^۱

۲. گروه دیگری از ایشان می‌گفتند که امام عسکری علیه السلام وفات نموده در عین حال دوباره زنده خواهد شد.

۳. واقفیه لا ادریه: ایشان معتقد بودند که امام عسکری علیه السلام رحلت نموده است، این گروه از این جهت به این نام شهره بودند که می‌گفتند از آن جا که ما نمی‌دانیم امام بعد از ایشان کیست؟ پسرش، برادرش، بر این اساس سکوت می‌کنیم، در عین حال می‌دانیم که زمین باید دارای حجت باشد.

ب) جعفریه: این گروه خود بر چند دسته تقسیم می‌شدند:

۱. گروهی امامت جعفر کذاب را پذیرفتند به همین دلیل به امامت عبدالله افطح نیز باورمند شدند. بنابراین سیزده امامی نامیده شدند.

۲. گروه دیگر بر این باور بودند که جعفر را امام عسکری علیه السلام به امامت تعیین کرده است.

۳. نفیسیه (غلام سیدمحمد): این گروه معتقد بودند که امام بعد از امام هادی علیه السلام سیدمحمد بوده است اما از آن جا که وفات نمود بدا حصل شد و امامت به جعفر منتقل شد.

ج) محمدیه: این گروه بر این باور بودند که امامت نه از آن امام عسکری علیه السلام می‌باشد و نه از آن جعفر، بلکه امام حقیقی همان سیدمحمد است.

د) قطعیه: این گروه از آن جا که امامت امام عسکری علیه السلام را پذیرفته بودند و معتقد بودند که حضرت دارای فرزند نیز بوده‌اند به این نام شهره شدند، در عین حال آنها نیز در اموری جزئی با یکدیگر هم‌خوانی نداشته و خود به گروه‌های چند تقسیم می‌شدند:

۱. امام مهدی علیه السلام بعد از وفات پدر به دنیا آمده است؛

۲. امام در هنگام پدر ۳ یا ۵ سال داشته‌اند؛

۳. برخی گفتند امام دوازدهم مدتی پس از تولد وفات نمودند؛^۲

۱. نوبختی واقفیه را در دوران امام کاظم علیه السلام می‌داند که در آن حضرت توقف کردند، بنابراین این دسته از واقفی‌ها با دوران امام یازدهم به کلی متفاوت می‌باشند. (نوبختی: ۱۴۰۴: ۸۱)

۲. در این زمینه روایاتی از شیخ طوسی نقل شده که امام قبل از ظهور وفات خواهند نمود، گرچه وی وفات را به وفات نام

۴. برخی از ایشان بر این باور شدند که نام امام، علی می باشد؛

۵. عده‌ای بر این باور بودند که امام در زمان پدر تولد یافته و امروزه غائب می باشند (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۹۶).

مهم‌ترین فرقه‌های شیعیان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام موارد مذکور بوده است، با این حال اختلاف‌های دیگری نیز در میان فرقه‌نگاران وجود دارد که تفاوت چندانی با موارد بالا در آن دیده نمی‌شود، در این میان اشعری در *المقالات والفرق* اندکی بیش از نوبختی ذکر کرده است،^۱ مفید (م ۴۱۳ق) طبق تصریح خویش، از نوبختی تأثیر پذیرفته است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹).

هم‌چنین مسعودی (م ۳۲۴ق) در *مروج الذهب* به بیست فرقه اشاره دارد اما از هیچ‌یک از آن‌ها یاد نکرده است، وی به کتاب‌های دیگرش حواله داده و چنین نقل نموده: که شرح این دسته از فرقه‌ها را در کتاب‌های *سز الحیات و المقالات فی اصول الدیانات* آورده است (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۱۲). کتاب‌های مذکور نیز امروزه مفقود می باشد و ما نمی‌توانیم گمانه‌های وی را به درستی در این زمینه بیابیم، احتمالاً وی در شمارش فرقه‌ها همانند دیگر فرقه‌نویسان عمل کرده است.

شهرستانی در کتاب خویش، بیش از نوبختی و اشعری اشاره‌ای ندارد و تنها تفاوت بسیار اندکی با این دسته از فرقه‌نگارها داشته است (شهرستانی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۲۰۲). از جمله تفاوت‌هایش با نوبختی در این است که وی تعداد فرقه‌های منشعب از امام عسکری علیه السلام را دوازده عدد می‌داند، در صورتی که نوبختی این عدد را چهارده فرقه دانسته است (همان: ج ۱، ۲۰۰). فرقه‌های یاد شده به این میزان بود که ذکر شد، در ادامه به نقد آنها توجه خواهد شد.

گفتنی است که دسته‌بندی در تفرق شیعیان با اشکالاتی مواجه است، گویا عیار خاصی برای بر شمردن یک فرقه در آن دوران نبوده است، به طوری که معیار فرقه‌نگاری، فرقه‌نویسان آشکار نیست؟ و معلوم نیست که چه تعریفی از تفرق داشته‌اند؟^۲ این امر زمانی بیشتر فهمیده می‌شود که با مراجعه به متون کهن آشکار می‌شود که هیچ تعریف مشخصی از فرقه و تمایز آن

امام تعبیر کرده است و روایات دیگری نقل کرده که هرگونه درگذشت پیش از ظهور را به کلی مردود می‌داند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۲)

۱. باید توجه داشت که بنابه نظر محمد جواد مشکور کتاب *المقالات والفرق* اشعری اضافات کلی بر فرق الشیعه نوبختی دارد و کتاب منسوب به نوبختی اضافاتی جزئی نسبت به کتاب اشعری دارد. (اشعری قمی، ۱۳۶۰ش: ۲۰-۲۶)

۲. در بیان عنوان فرقه گفته شده هرآنچه که سبب جدا شدن یک شی می‌باشد به صورتی که این جدایی استمرار داشته باشد. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ۱۴۷)

با دیگر دسته‌جات ذکر نشده است و گویا تنها به سبب شهرت در عنوانی خاص فرقه نویسان از آن‌ها با عنوان دسته‌ای جدا از دیگران یاد کرده‌اند به طوری که در برخی از موارد هیچ‌گونه وجه تمایز میان فرقه‌های کاملاً شبیه به هم ارائه نشده است، برای نمونه اشعری و نوبختی خبر از فرقه‌ای می‌دهند که تنها وجه تمایز آن با امامیه، نام امام می‌باشد، به طوری که امامیه نام امام عصر علیه السلام را محمد و آن گروه علی می‌دانند و در دیگر موارد یکسان می‌باشد، این امر نشان از آن است که فرق نویسان تعریف واحدی از فرقه نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد فرقه‌ها باید چند شاخصه اصلی را دارا باشند و بدون این موارد عنوان مذهب یا فرقه را نمی‌توان بر آن استوار کرد. بر این اساس شاخصه اصلی هر فرقه آغاز، سرانجام، باورهای مشخص و هم‌چنین باورمندان آشکار به آن اندیشه است، هم‌چنین عنصر مهم در فرقه‌ها رهبری مشخص می‌باشد، اگر فرقه‌ای به خصوص یکی از موارد سه‌گانه - باور، پیرو، رهبر - را نداشته باشد عنوان فرقه بر آن حقیقی نخواهد بود، با این وصف، بسیاری از فرقه‌های یاد شده یک یا چند شاخصه مذکور را ندارند و نمی‌توان آنها را فرقه‌ای مستقل دانست. برای نمونه زمان تأسیس بیشتر این فرقه‌ها آشکار نیست. ثانیاً: به سرانجام این دسته از فرقه‌ها اشاره‌ای نشده است و معلوم نیست که چه زمانی در میان شیعیان زیست داشته‌اند، با این حال در حدود یک سده بعد مفید بیان داشته در زمان تألیف کتاب *الفصول المختاره* در سال ۳۷۳ ق هیچ‌کدام از فرقه‌های مدعی در شیعیان غیر از امامیه موجود نمی‌باشند (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۲۱). ثالثاً: مشکل دیگر این دسته از فرق‌های برساخته آن است که تاریخ به باورمندان این دسته از فرقه‌ها اشاره‌ای ندارد و نام هیچ فرد مشخصی از ایشان در آثار کهن ذکر نشده است و تنها به ذکر عنوان فرقه بسنده شده است، علاوه بر آن مهم‌ترین نکته آن‌که نام رهبران بسیاری از گروه‌های یاد شده نیز در تاریخ ذکر نشده است و آشکار است نبود رهبر مشخص در بسیاری از موارد دلالت بر عدم فرقه‌ای مشخص دارد. بنابراین احتمالاً بسیاری از فرقه‌های یاد شده وجود خارجی نداشته‌اند و نمی‌توان بر اساس شواهد تاریخی مجالی برای آنها یافت و ذکر این فرقه‌ها در فرقه نویسان تنها به سبب شهرت آن دسته‌جات یا بر اساس منازعات مذهبی میان دو گروه شیعه و سنی بوده است.

با این حال نمی‌توان مدعی شد که باورمندان به امام مهدی علیه السلام تنها گروه ماندگار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام بوده‌اند و با تعریف یاد شده از فرقه برخی از گروه‌های دیگر نیز در این دوره جنب جوش داشته‌اند گرچه آنها نیز تداوم چندانی نداشتند، این گروه‌ها با چند عنصر اساسی رهبری، وجود باورمند و آراء مشخص از دیگر فرقه‌های یاد شده تمایز داشتند در ادامه

به ذکر دسته جاتی اشاره می‌شود که ویژگی‌های فرقه را داشته‌اند.

فرقه‌ها و مذاهب ماندگار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

همان‌طور که بیان شد فرقه‌های پس از شهادت امام یازدهم و در آغاز غیبت صغری پدیدار گشت که با ایده این پژوهش هم‌خوانی دارد و می‌توان آن را به عنوان یک فرقه فعال در آن دوره در نظر گرفت قالب یک فرقه تعریف پذیر می‌باشند، بدون تردید دو گروه امامیه و جعفریه از این دسته شمرده می‌شوند در ادامه به اجمال بدان اشاره می‌شود:

امامیه

باورمندان به فرزند امام عسکری علیه السلام گروه حداکثری شیعه در غیبت صغری را تشکیل می‌دادند که تاکنون نیز ماندگار شده‌اند این مذهب به اذعان همه فرق نویسان در ابتدایی‌ترین روزه‌های آغازین غیبت وجود داشته است. این گروه بر اساس باور به فرزند امام یازدهم بیشترین فعالیت را در آن دوره داشتند و توانستند با کمک وکیلان امام مهدی علیه السلام و پی‌جویی امامت در تنها فرزند امام عسکری علیه السلام به بقای خود ادامه دهند، ایشان در همان زمان بر این باور بودند که امام مهدی علیه السلام فرزند امام یازدهم می‌باشد که در ۵ سالگی و با شهادت پدر به امامت رسیده است و دو غیبت خواهد داشت که یکی از دیگری طولانی‌تر خواهد بود. برای نمونه مفید ایشان را چنین دانسته است،^۱ این استدلال حاکی از آن است که امامیه به عنوان گروهی قدرتمند در ابتدای غیبت صغری وجود داشته است و طرفداران قابل ملاحظه‌ای نیز در میان ایشان قرار داشتند.^۲ علاوه بر نشانه‌های که در متن برخی از گزارش‌ها ذکر شد نقل‌های دیگری در این زمینه وارد شده که گواهی آن است که مفهوم امامیه پیش از آغاز غیبت صغری به بخش مهمی از شیعیان اطلاق شده است. در دوره غیبت صغری این مفهوم اصطلاحی برای

۱. فقال الجمهور منهم بإمامة ابنه القائم المنتظر علیه السلام و أثبتوا ولادته و صححوا النص عليه و قالوا هو سمی رسول الله صلی الله علیه و آله و مهدی الأنام و اعتقدوا أن له غیبتین إحداهما أطول من الأخری و الأولى منهما هی الصغری و له فیها الأبواب و السفراء و رووا عن جماعة من شیوخهم و ثقاتهم أن أبا محمد الحسن علیه السلام أظهره لهم و أراهم شخصی و اختلفوا فی سنه عند وفاة أبيه فقال كثير منهم كان سنه إذ ذاك خمس سنين لأن أباة توفی سنة ستين و مائتين و كان مولد القائم علیه السلام سنة خمس و خمسين و قال بعضهم بل كان مولده سنة اثنتين و خمسين و مائتين و كان سنه عند وفاة أبيه ثمانی سنين و قالوا إن أباة لم يموت حتى أكمل الله عقله و علمه الحكمة و قُضِلَ الخطاب و أبانه من سائر الخلق بهذه الصفة إذ كان خاتم الحجج و وصی الأوصیاء و قائم الزمانهمان.

۲. برای مثال فرقه‌ای که رحلت امام عسکری علیه السلام را پذیرفته بود در عین حال قائل به فرزند برای ایشان می‌باشد و این فرزند روزی ظهور خواهد کرد و تنها با امامیه در نام آن تفاوت دارد، را چگونه در دایره یک فرقه می‌توان اندازه‌گیری کرد، اساساً چنین فرقه‌ای بر فرض وجود همان امامیه می‌باشد که تنها در نام امام با ایشان اختلاف دارد.

گروهی از شیعیان بود که در ادبیات علمی شیعه و سنی آن دوره مرسوم بوده است. در میان شیعیان امامی کتاب‌های با عنوان امامیه تدوین گشت که می‌توان به نوبختی (م ۳۱۰ق) با عنوان *الرد علی فرق الشیعه ما خلا الامامیه* (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۶۳)، سعدبن عبدالله اشعری قمی با کتابی به نام *مقالات الامامیه و ابن قبه رازی* اشاره کرد. (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ۱۲۲) هم‌چنین در میان زیدیه، *التحفة العسجدیه* (یحیی بن حسین، ۱۳۴۳ق: ج ۱، ۳۵۴، ۴۴۹، ۴۴۵) و از اهل سنت در آن دوره ابوالحسن اشعری (م ۳۲۴ق) از این عنوان بهره برده است. (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۷) هم‌چنین در این دوره مفهوم امامیه در میان فرقه‌شناسان نیز مرسوم بوده است، برای نمونه نوبختی از امامیه با همان ویژگی ذکر کرده است، (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۲) هم‌چنین اشعری در چند بخش کتاب خویش از امامیه نام آورده است (اشعری قمی، ۱۳۶۰ق: ۱۰۳-۱۰۶) هم‌چنین ابوالحسن اشعری در *مقالات الاسلامیین* در دو جای از اصطلاح امامیه سود برده است (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۷-۳۱) کمی بعد از پایان غیبت صغری ابی نصر بخاری در *سیر السلسله العلویه* (ابونصر بخاری، ۱۴۱۳ق: ۴۰) و مسعودی در *التنبیه و الاشراف* (مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۲۵۸) و *مروج الذهب* (همان: ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۰۸، ج ۳، ۲۰۸-۲۰۹)

در نتیجه امامیه یکی از مذاهب اسلامی می‌باشد که توده مردم آن را با عنوان شیعه، و اندیشمندان آن را امامیه می‌خوانند. هم‌چنین اندیشمندان امامی به برخی خصوصیات امام از جمله مفترض الطاعه بودن و معصوم بودن امام، و نیز خالی نبودن زمین در هیچ‌زمانی از امام به عنوان باورهای اساسی تأکید می‌کردند. (مفید، ۱۴۱۳ «الف»: ۳۸) به نظر می‌رسد با گذار ایام مفهوم امامیه به عنوان بخش مهمی از شیعه در دوره غیبت صغری به گروه خاصی که باور به امامان دوازده‌گانه داشته‌اند اطلاق شد و در شیعیان امامی از دوره غیبت صغری تاکنون به همین نام شهره بوده‌اند.

جعفریه

این گروه پیروان جعفر برادر امام عسکری علیه السلام بودند که پس از شهادت امام یازدهم توانستند افراد قابل ملاحظه‌ای را به دور هم جمع کنند. جعفریه همه مشخصات یک فرقه همانند رهبر، آراء، پیروان و... داشته است و برای مثال چنین آمده است:

رجعت فرقة من كانت تقول بإمامة الحسن علیه السلام عن إمامته عند وفاته وقالوا لم يكن إماما وكان مدعيا مبطلا وأنكروا إمامة أخيه محمد وقالوا الإمام جعفر بن علي بنص أبيه عليه قالوا إنما قلنا بذلك لأن محمد مات في حياة أبيه والإمام لا يموت في حياة أبيه وأما الحسن علیه السلام فلم يكن له عقب والإمام لا يخرج من الدنيا حتى يكون له عقب.

هم چنین درباره این فرقه چنین آمده است:

إن أبا محمد عليه السلام كان الإمام من بعد أبيه وإنه لما حضرته الوفاة نص على أخيه جعفر بن علي بن محمد بن علي وكان الإمام من بعده بالنص عليه والوراثة له وزعموا أن الذي دعاهم إلى ذلك ما يجب في العقل من وجوب الإمامة مع فقدهم لولد الحسن عليه السلام وبطلان دعوى من ادعى وجوده فيما زعموا من الإمامية^۱.

گمانه‌های اخیر مرتبط به پیروان جعفر ۲۷۱ ق برادر مهتر امام عسکری علیه السلام می‌باشد، به نظر می‌رسد، طرفداران جعفر برای رساندن وی به جایگاه امامت، از زمان‌های دور، فعالیت داشته‌اند و به بهانه‌های مختلف وی را شایسته امامت می‌دانستند، این دسته از شیعیان علاوه بر رهبری مشخص دارای پیروانی در تاریخ بوده‌اند که بارها با امامیه در ابتدای غیبت صغری درگیری‌های فراوانی داشته‌اند. جعفر در منابع امامی به جهت ادعای امامت پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، و انکار وجود فرزندی برای ایشان به کذاب مشهور شد. (العلوی العمری، ۱۳۸۰ ش: ۱۳۱-؛ فخر رازی، ۷۸: ۱۴۰۹؛ ابن عنبه، ۱۳۸۰ ق: ۱۹۹) در دوره امامت امام عسکری علیه السلام، جعفر گروه کوچکی عمدتاً از طرفداران فارس بن حاتم را دور خود جمع کرده بود. (خصیعی، ۱۴۱۴ ق: ۳۸۸) این در حالی است که علاوه بر موارد بالا برخی از اندیشمندان شیعه نیز بدو ملحق گشتند و در دفاع از وی به چانه‌زنی با امامیه تن در دادند و علی بن طاحی (یا طاحن) خزاز، متکلم توانا و فطحی مسلک کوفی نیز در زمره همین جماعت بود. با این همه، باید گفت جعفر بن علی مقارن وفات امام عسکری علیه السلام جایگاه نسبتاً مقبولی در میان شیعه داشته است. (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ۲۶۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۱۰۹) با رحلت حضرت عسکری علیه السلام، جعفر که با قصد دستیابی موقعیت برادر، خود را وصی آن حضرت جلوه داد. او به عنوان صاحب عزا بر در خانه امام می‌ایستاد و شیعیان که به منزل امام می‌آمدند به او تسلیت می‌گفتند. و گفته شده زمانی که کار غسل و کفن امام توسط عثمان بن سعید صورت گرفت، (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۳۵۶)، جعفر خود را آماده خواندن نماز بر پیکر امام کرد برابر برخی از گزارش‌ها امام دوازدهم بر بدن پدر نماز گزاردند. (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۷۵) هم چنین نقل شده جعفر گزارش تولد امام مهدی علیه السلام و مکان حضور امام را، به اطلاع خلیفه رساند، بر همین اساس، خلیفه دستور داد بیت امام

۱. قال الشيخ أبيه الله و ليس من هؤلاء الفرق التي ذكرناها فرقة موجودة في زماننا هذا و هو من سنة ثلاث و سبعين و ثلاثمائة إلا الإمامية الاثنا عشرية القائلة بإمامة ابن الحسن المسمى باسم رسول الله صالقاته على حياته و بقائه إلى وقت قيامه بالسيف حسبما شرحناه فيما تقدم عنهم و هم أكثر فرق الشيعة عددا و علماء و متكلمين و نُظَّاراً و صالحين و عباداً و متفقهة و أصحاب حديث و أدباء و شعراء و هم وجه الإمامية و رؤساء جماعتهم و المعتمد عليهم في الديانة. (همان: ۳۱۹- ۳۲۱)

عسکری علیه السلام مورد هجوم قرار گیرد. (همان: ج ۲، ۴۷۳) همین تحریکات سبب شد عباسیان امامیه را مورد آزار قرار دهند. (همان: ج ۲، ۴۷۴) پیروان جعفر در تاریخ به جعفریه معروف شدند. (ابن قبه رازی، ۱۳۹۶ ش: ۱۹۸؛ اشعری، ۱۰۱؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۵۷ ش: ۱۶۳؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱۵) گویا طرفدارانش درباره جانشینی وی اختلاف نظر داشتند. عده‌ای جعفر را جانشین بلا فصل امام هادی علیه السلام، برخی او را جانشین برادرش سید محمد که در زمان حیات پدرش رحلت کرد و عده‌ای دیگر وی را جانشین امام عسکری علیه السلام دانسته‌اند. (ر. ک: قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۲، ۱۸۲؛ ناطق بالحق، ۱۶۶) جعفر در سال ۲۷۱ ق درگذشت و در سامرا به خاک سپرده شد. (العلوی العمری، ۱۳۸۰ ش: ۱۳۴-۱۳۵؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱۸-۱۱۹) برخی پیروان وی به فرزندش، ابوالحسن علی، نقیبا رشد سادات بغداد، رجوع کردند. (فخر رازی، ۱۴۰۹: ۷۹-۸۰؛ مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱۸-۱۱۹) برخی دیگر معتقد بودند که امامت میان ابوالحسن و خواهرش فاطمه تقسیم شده و پس از آن دو به دیگر بازماندگان جعفر رسیده است. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸ ش: ۱۱۹-۱۲۲)^۱

منابع زیادی به درگیری این طرفداران جعفر با امامیه اشاره داشته‌اند، اما از جعفر-پسر امام هادی علیه السلام و باورمندان به وی در مقایسه با دیگر گروه‌های یاد شده، فرقه‌ای ماندگار در تاریخ باقی ماند که تا مدت‌ها مشکلات زیادی را برای امامیه فراهم می‌کردند و حتی نقل شده که بعد از جعفر باورمندان به وی به پسرش علی توجه پیدا کرده و پس از او به گروه‌های غالی متمایل شدند.

طرفداران جعفر آن مقدار قدرتمند بودند که در برخی گزارش‌ها محدثان بزرگی هم چون کلینی به ایشان اشاره داشته‌اند، از جمله نقل شده که شخص از مصر که برای تحویل وجوهات به مکه رفته بود شیعیان امام عسکری علیه السلام را در تحیر می‌بیند و آورده که پیروان ایشان به سه گروه تقسیم شده‌اند، عده‌ای بر این باورند که امام جانشین ندارد، عده‌ای می‌گویند جعفر برادر امام جانشین وی است و عده‌ای نیز امام مهدی علیه السلام را امام پس از امام یازدهم علیه السلام می‌دانند.^۲ این گزارش تعدد گروه‌های یاد شده پس از امام عسکری علیه السلام را مردود می‌داند و تنها بر وجود طرفداران جعفر و امامی مذهببان و گروه سوم (متحیران)، تأکید دارد. هم‌چنین در نقلی دیگری ابوغانم قزوینی (م ۲۶۰ ق) از امام عسکری علیه السلام آورده که حضرت از تفرق پیروانش خبر داده و به

۱. در این زمینه ر. ک: مقاله کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی علیه السلام، احمدی کچایی و شافع، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۱.

۲. فقال بعض الناس ان ابامحمد علیه السلام مضی من غیر خلف و الخلف جعفر و قال بعضهم مضی ابو محمد عن خلف. (کلینی، ۱۳۷۶ ش: ج ۱، ۵۲۳)

دو جریان درون شیعی، پس از شهادت خویش، اشاره دارد.^۱ این گزارش‌ها حاکی از آن است که فرقه‌های یاد شده در آن دوره وجود خارجی نداشته یا آن‌که می‌توان چند گروه از آنها را در یک طبقه دسته‌بندی کرد. به خصوص شیخ مفید به این نکته تصریح دارد که حوالی نیمه سده چهارم (۳۷۳ق) غیر از امامیه هیچ‌کدام از فرقه‌های یاد شده در آن زمان وجود خارجی نداشته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲۱).^۲ به نظر می‌رسد گروه دیگری نیز پدید آمده بودند که با وجود این همه تردید، اساساً انقطاع زنجیره امامت را پیش از پایان جهان جایز می‌شمردند و به اصطلاح قائل به فترت در امامت بودند. اگرچه کتب فرق شیعه، از پدید آمدن تنها دو فرقه یاد شده ملاک‌های سه‌گانه آغاز و سرانجام مشخص و باورمندی راستین در تاریخ داشته‌اند.

در هر صورت آنچه که ذکر شد از اختلاف امامیه در باور فرقه‌نگارها چیزی فراتر از نام عده قابل توجه‌ای از این دسته از فرقه‌های در تاریخ نبوده است، و گروه‌های ذکر شده به رغم سرو صدای زیاد در تاریخ از باورهای ایشان و افراد باورمند به آن خبری نیست و حتی می‌توان چنین مدعی شد که چه بسا دسته‌ای قابل توجه ایشان در تاریخ وجود خارجی نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی منابع پیشینی آشکار شد که نمی‌توان بر وجود خارجی بسیاری از فرقه‌های ذکر شده در آغاز غیبت صغری تأکید داشت این در حالی است فرق نویسان شیعه و سنی با ذکر تعداد قابل توجه‌ای از ایشان بر گستردگی شیعیان در این دوره تأکید داشته‌اند اما شواهد چندان استواری ارائه نکرده‌اند، بر این اساس این احتمال داده می‌شود که منازعات فرقه‌ای اهل سنت با شیعیان و عدم ضابطه مشخص در میان شیعیان سبب شده تا فرقه‌نگاران به این مقدار بر تعدد و تشتت شیعیان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام اشاره داشته باشند، گرچه نگارنده تأکید دارد که برخی از فرقه‌ها از جمله جعفریه در این زمان وجود داشته‌اند و نشانه‌های آن به فراوانی در تاریخ یافت می‌شود.

۱. سمعتُ أبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يَقُولُ فِي سَنَةِ مَائَتَيْنِ وَ سِتِّينَ تَفْتَرِقُ شِيعَتِي فِيهَا قَبِيضٌ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ تَفَرَّقَتِ الشَّيْعَةُ وَ أَنْصَارُهُ فَمِنْهُمْ مَنِ انْتَمَى إِلَى جَعْفَرٍ وَ مِنْهُمْ مَنْ تَاهَ وَ مِنْهُمْ مَنْ شَكَّ وَ مِنْهُمْ مَنْ وَقَفَ عَلَى تَحْيُرِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ ثَبَّتَ عَلَى دِينِهِ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۰۸)

۲. لازم به ذکر است مدرسی در این بخش چنین افزوده و مدعی شده است پیروان جعفر در تاریخ ماندگار شدند، که پس از ابوالحسن علی و فاطمه، امامت به سایر بازماندگان جعفر رسید. به طور خلاصه در پایان این قرن سوم که ابوحاتم رازی کتاب الزینة خود را می‌نوشت شیعیان عراق به دو جامعه مخالف تقسیم شده بودند. آنان که به فرزند حضرت عسکری علیه السلام اعتقاد داشتند و آنان که گرد فرزندان و فرزندزادگان جعفر گرد آمدند بودند. درست روشن نیست که طرفداران جعفر و بازماندگان او تا چه وقت به عنوان یک مذهب مستقل در جامعه شیعه دوام آوردند. در سال ۳۷۳ق که شیخ مفید فصل فرق شیعه مندرج در کتاب مجالس خود را می‌نوشت کسی از اتباع او سراغ نداشت. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۸ش: ۱۰۰)

منابع

- ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت، دارالفکر، دوم، ۱۴۰۸ق.
- ابن شهر آشوب، *مناقب*، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
- ابن عنبه، *عمدة الطالب*، نجف، المطبعة الحیدریه، دوم، ۱۳۸۰ق.
- ابن ندیم بغدادی، *فهرست*، تحقیق رضا تجدد، مصر، بی نا، بی تا.
- احمدی کچایی، مجید؛ شافع، سیدحسین، «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، *فصل نامه پژوهش های مهدوی*، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۹۶ش.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، تهران، علمی و فرهنگی، دوم، ۱۳۶۰ش.
- اشعری، ابوالحسن، *مقالات الاسلامیین*، آلمان، فراینس شتاینر، سوم، ۱۴۰۰ق.
- اقبال آشتیانی، عباس، *خاندان نوبختی*، تهران، طهوری، ۱۳۵۷ش.
- بخاری، ابونصر، *سلسلة العلویه*، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
- جباری، محمدرضا، *سازمان وکالت*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
- حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام*، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، سوم، ۱۳۸۵ش.
- خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، بی جا، البلاغ، ۱۴۱۴ق.
- راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل والنحل*، قم، شریف رضی، سوم، ۱۳۶۴.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین وتمام النعمة*، تهران، اسلامی، دوم، ۱۳۹۵ق.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامه*، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ق.
- _____، *رجال الطوسی*، قم، جماعة المدرسین، مؤسسه النشر الإسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.
- العلوی العمری، ابوالحسن علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبین*، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۳۸۰ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر، *الشجرة المباركة فی انساب الطالبیة*، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۹ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
- قمی، حسن بن محمد، *تاریخ قم*، تهران، انتشارات مجلسی، ۱۳۱۳ش.

- کشی، رجال الکشی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۳۶۳ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالاسوة للطباعة والنشر، اول، ۱۴۱۸ق / ۱۳۷۶ش.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدخواه، تهران، کویر، هفتم، ۱۳۸۸ش.
- مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والاشراف، قاهره، دارالصاوی، ۱۳۶۵ش.
- _____، مروج الذهب، قم، دارالهجره، دوم، ۱۴۰۹ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختارة، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق (ب).
- _____، اوائل المقالات، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق (الف).
- میرزایی نوک آبادی، عباس، ابن قبه رازی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۶ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشيعة، بیروت، دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۴ق.
- یحیی بن حسین، التحفة العسجدية، صنعاء، ابو ایمن، ۱۳۴۳ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی